



# توافق اوپک برای کاهش تولید نفت: دستاوردها و ابهامات

دکتر عبدالله قنبرلو\*

## اشاره:

توافق وزرای نفت کشورهای عضو اوپک بر سر کاهش تولید نفت خام از رویدادهای مهم در ماه اخیر بود که برای دولت ایران و بالاخص دیپلماسی نفتی آن یک دستاورد بزرگ به حساب می‌آید. اهمیت این توافق به نحوی بوده که برخی از آن به عنوان برجام نفتی برای ایران یاد کرده‌اند. اصرار ایران بر بازگشت به سطح تولید پیش از تحریم‌ها بالاخره مؤثر واقع شد، به طوری که ایران نه تنها از شمول کشورهای کاهش‌دهنده تولید مستثنی گردید، بلکه در حدی به افزایش تولید مجاز شد. در این راستا، شایسته است ابعاد مختلف این رویداد مورد بررسی قرار گیرد.

## مقدمه

سازمان اوپک چندین سال بود که به خاطر اختلافات پیچیده برخی اعضا از اتخاذ تصمیمات راهبردی برای اثرگذاری بر بازار نفت عاجز شده بود. اختلافات سیاسی طولانی بین ایران و عربستان سعودی از مهمترین مسائلی بوده که به مثابه مانعی بزرگ پیش روی این سازمان عمل کرده است. در نشست فروردین ۱۳۹۵ که به میزبانی قطر برگزار شد، عربستان ضمن اصرار بر مواضع گذشته خویش از ایجاد توافق، ممانعت به عمل آورد. در حالی که روسیه به عنوان تولیدکننده بزرگ نفت در خارج از اوپک، ضمن استقبال از طرح فریز نفتی با مستثنی شدن ایران از آن موافقت داشت، عربستان زیر بار آن نرفت.

در مهرماه گذشته، اعضای اوپک طی نشست الجزیره با کاهش ۱/۲ میلیون بشکه‌ای تولید نفت اوپک در روز موافقت

کلی کردند. طرح آنها این بود که میزان تولید روزانه اوپک به حدود ۳۲/۵ میلیون بشکه در روز کاهش یابد، اما تصمیم‌گیری در مورد اینکه هر کشوری چه میزان نفت تولید کند، به نشست نوامبر ۲۰۱۶ موکول شد. طرح مذکور سرانجام طی نشستی که در ۳۰ نوامبر (۱۰ آذر ۱۳۹۵) در وین برگزار شد، به نتیجه رسید. این نشست که یکصد و هفتاد و یکمین نشست سازمان بود، در حالی به نتیجه رسید که از سال ۲۰۰۸ تاکنون چنین اجماعی بر سر کاهش تولید ایجاد نشده بود.

طبق توافق، قرار شد تولید کلی اوپک در روز ۱/۲ میلیون بشکه کاهش یابد. سهم تولید اعضا نیز مشخص شد که بر اساس آن عربستان با پذیرش کاهش تولید ۴۸۶ هزار بشکه‌ای در روز به بیشترین میزان کاهش تولید تعهد داد. علاوه بر ۱۳ کشور عضو اوپک، ۱۲ کشور غیرعضو اوپک نیز پذیرفته‌اند برای کمک به کاهش مازاد عرضه نفت در بازارهای جهانی، روزانه به میزان ۵۶۲ هزار بشکه از تولید نفت خود بکاهند. روسیه در مقام تولیدکننده بزرگ غیرعضو پذیرفته که روزانه به تنهایی ۳۰۰ هزار بشکه کاهش تولید داشته باشد. در این میان، سه کشور ایران، لیبی، و نیجریه از طرح کاهش تولید اوپک مستثنی شدند. ایران مجاز شد به میزان ۹۰ هزار بشکه در روز افزایش تولید داشته باشد. قرار



است توافق اخیر اوپک از ابتدای سال ۲۰۱۷ به مدت شش ماه به اجرا گذاشته شود.

واکنش بازار به توافق اخیر جالب توجه بود. سیر افزایشی محسوسی در بهای نفت ایجاد شد، به نحوی که تاکنون نزدیک به ۱۵ درصد بر قیمت نفت افزوده شده است. بنابراین، با اینکه هنوز چند هفته‌ای تا آغاز سال ۲۰۱۷ زمان باقی مانده، کشورهای صادر کننده نفت از نتیجه توافق بهره‌مند شده‌اند. اهمیت توافق اوپک از زوایای مختلفی قابل توجه است که در این گزارش به اهم آنها اشاره می‌شود.

### روند توافق اوپک

کاهش قیمت نفت طی دو سه سال اخیر، فشار سنگینی بر اقتصاد عربستان تحمیل کرد. البته سیاست نفتی عربستان در زمره عوامل اصلی سقوط قیمت نفت بود. سران این کشور برای اعمال فشار بر رقبا از جمله ایران و روسیه به دامپینگ نفتی اقدام کردند. به‌رغم سقوط مکرر قیمت نفت، سیاست‌مداران عربستان به جنگ قیمتی روی نفت ادامه دادند، به طوری که بهای نفت به حدود ۳۰ دلار در هر بشکه تنزل کرد. زمین‌گیر کردن اقتصاد ایران یکی از اهداف اصلی عربستان بود. اما در عمل اتفاقاتی افتاد که باعث شدند ریاض از سیاست جنگ قیمتی بر سر نفت عقب‌نشینی کند. از یک سو، اقتصاد ایران با شرایط روز هماهنگ شد، بدون اینکه وارد اوضاع بحرانی شود. از سوی دیگر، سیاست‌های ماجراجویانه عربستان در منطقه از جمله عملیاتی پرهزینه به یمن باعث شد کسری بودجه این کشور گسترش بیشتری یابد.

در سال اخیر، کسری بودجه عربستان به نزدیک ۹۰ میلیارد دلار رسید که این وضع در تاریخ چند دهه‌ای عربستان کم‌سابقه بوده است. مجموع بدهی‌های داخلی و خارجی این کشور در سال ۲۰۱۶ بیش از ۵۰ میلیارد دلار گزارش شده است. در چنین شرایطی، ذخایر مالی عربستان به نحو چشمگیری میل به کاهش دارد. در حالی که در پایان سال ۲۰۱۴ میزان این ذخایر بیش از ۷۳۰ میلیارد دلار بود، اخیراً نزدیک به ۲۰۰ میلیارد دلار کاهش نشان می‌دهد. این شرایط سبب شده‌اند عربستان برای کنترل روند افزایش تولید نفت انگیزه بیشتری پیدا کند.

البته ریاض در پیگیری این سیاست تنها نبوده است. کشورهای صادر کننده نفت خصوصاً آنهایی که وابستگی بیشتری به درآمدهای نفتی دارند، با قدرت از سیاست فریز یا کاهش تولید نفت حمایت

کردند. روسیه در مقام تولید کننده بزرگ و غیر اوپکی نفت علاوه بر حمایت از سیاست مذکور، تلاش کرد برای اجرایی شدن آن با دوستان خود گفتگو کند. وساطت روسیه عاملی بود که باعث شد عربستان از اصرار بر ضرورت توقف تولید نفت ایران عقب‌نشینی کرده و با شرایط ایران مبنی بر ضرورت بازگشت به سطح تولید دوره پیش از تحریم کنار بیاید. هدف اولیه روسیه این بود که با فعال کردن اوپک به کاهش تولید نفت بر بازار اثر گذاشته و از قبل آن به اقتصاد درگیر با تحریم خویش سامان بخشد. اما در نهایت مجبور شد به جای پیگیری سیاست سواری مجانی با اوپک همکاری جدی‌تری کرده و در حد قابل توجهی به کاهش تولید تن دهد.

عراق در مقام دومین تولید کننده نفت اوپک نیز در ابتدا سیاستی شبیه به روسیه در پیش گرفته بود. در حالی که روس‌ها به بهانه‌هایی چون رکود و تحریم در صدد بودند از برنامه کاهش تولید مستثنی شده یا حداقل سهم ناچیزی تقبل کنند، عراقی‌ها نیز بحران امنیتی و جنگ با داعش را به بهانه‌ای برای کسب امتیازات ویژه در جریان تصمیم‌گیری دسته‌جمعی برای کاهش تولید تبدیل کرده بودند. اما استدلال آنها نیز آن‌چنان که باید نتیجه نداد و عراق نیز مجبور شد نهایتاً به حدی از کاهش تولید متعهد شود. عراق با کاهش تولید ۲۱۰ هزار بشکه‌ای در روز، سهمیه تولید روزانه خود را به رقم چهار میلیون و ۳۵۱ هزار بشکه کاهش داد. بهانه‌گیری دولت‌هایی مثل روسیه و عراق عواملی بودند که به نادیده گرفته شدن خواسته‌های ایران کمک می‌کرد. استدلال عربستان این بود که برای

این رویداد، اقتصاد شدیداً وابسته به نفت ایران با فشارهای سنگینی مواجه گردید. در این اثنا، یک عامل مهم دیگر به تحریم‌های بین‌المللی اضافه شد که به مشکلات اقتصادی کشور عمق بیشتری بخشید و آن کاهش چشمگیر بهای نفت در بازارهای جهانی بود. متغیرهای مختلفی از جمله استخراج فزاینده نفت شیل در این کاهش بها دخالت داشتند. اما متغیری که برای دولت ایران بیش از همه آزاردهنده تلقی می‌شد، تصمیم عربستان سعودی به دامپینگ نفتی از طریق استخراج و تزریق بی‌رویه نفت به بازارهای جهانی بود. در شرایطی که اقتصاد ایران به تبع تحریم‌های گسترده در تنگنا قرار داشت، سیاست نفتی عربستان عملی خصمانه قلمداد می‌شد که در عمل همان آثار تحریم‌ها را به دنبال داشت.

پس از آغاز دور اخیر مذاکرات هسته‌ای که به انعقاد توافق جامع هسته‌ای منجر شد، در برنامه‌های نفتی ایران گشایش‌های جدید ایجاد گردید. دولت مصمم شد ضمن افزایش صادرات، زمینه‌های جدیدی برای تسهیل سرمایه‌گذاری در صنعت نفت خود فراهم کند. در بخش سرمایه‌گذاری، مشوق‌های جدیدی طرح شدند تا جذابیت بیشتری برای شرکت‌های خارجی فراهم کنند. تخفیف‌های مالیاتی به سرمایه‌گذاران خارجی، اعطای فرصت طولانی به سرمایه‌گذاران خارجی برای حضور در صنعت نفت کشور و اعطای حق انتخاب وسیع‌تر به شرکت‌های خارجی برای همکاری با شرکت‌های داخلی از امتیازات مهمی هستند که برای تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در نظر گرفته شده‌اند. در عین حال، در امر صادرات نفت نیز تسهیلات جدیدی ایجاد شده است. با توجه به نگرانی بانک‌ها و صاحبان کشتی‌ها از تجارت با ایران - که فرایند افزایش صادرات را تا حدی کند می‌کرد - شرکت ملی نفت ایران امتیازاتی مثل پیشنهاد پرداخت با تأخیر را به خریداران اصلی داده است. این سیاست‌ها آثار قابل توجهی داشتند و باعث شدند فرایند بازسازی جایگاه نفت ایران در بازارهای جهانی با موانع کمتری پیش برود.

برنامه دولت ایران این بوده که تولید نفت کشور را حداقل به سطح زمان پیش از تحریم برساند. ایران به میزان تولیدی در حدود چهار میلیون بشکه در روز نظر داشته است. بر این اساس، تا زمانی که به این هدف نرسید، از همکاری با سیاست‌فریز و کاهش تولید اوپک خودداری کرد. ایران با وجود استقبال از اقدام اوپک به توقف روند افزایش تولید نفت، اعلام کرد که به برنامه افزایش تولید

به نتیجه رسیدن سیاست کاهش تولید باید همه دولت‌های صادرکننده از جمله ایران همکاری کنند.

طبیعتاً برای عربستان کنار آمدن با شرایط ایران آسان نبود. کشوری که چند سال پیش از طریق دامپینگ نفتی در صدد بود اقتصاد ایران را به بحران سوق دهد، تصمیم گرفت توافقی را بپذیرد که بر اساس آن ایران می‌تواند مقداری بر سطح تولیدش بیافزاید. سران این کشور شاهد رشد سریع تولید نفت ایران بودند. آنها ترجیح دادند به جای بی‌عملی و انفعال، ایران را متعهد کنند تا حداقل برای افزایش تولید خویش سقف معینی تعیین کند. طبق توافق، در حالی که سهمیه تولید عربستان با کاهش ۴۸۶ هزار بشکه‌ای به رقم ۱۰ میلیون و ۵۸ هزار بشکه در روز تنزل می‌یابد، سهمیه تولید ایران با افزایش ۹۰ هزار بشکه‌ای به سه میلیون و ۷۹۷ هزار بشکه در روز افزایش خواهد یافت. البته این رقم‌ها به صورت میانگین محاسبه می‌شوند. ایران می‌تواند در شش ماه نخست سال ۲۰۱۷ در برخی روزها تولید بیشتری داشته باشد، اما میانگین شش ماه نباید از رقم سه میلیون و ۷۹۷ هزار بشکه در روز فراتر رود.

## ایران و توافق اوپک

سیاست نفتی ایران در سال‌های اخیر تحت تأثیر یک عامل مهم و تکان‌دهنده یعنی تحریم‌های بین‌المللی قرار داشته است. تحریم‌های بین‌المللی از یک سو، مانع سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی برای استخراج نفت ایران شدند و از سوی دیگر، صادرات نفت استخراج‌شده کشور را به شدت محدود کردند. تحت تأثیر

بودجه‌ای دولت عربستان به درآمدهای بخش نفت بیش از ۸۰ درصد گزارش شده است. همچنین حدود ۴۵ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور به نفت وابسته است. اگرچه عربستان با حدود ۶۵۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی ثروتمندتر از ایران با تولید ناخالص داخلی حدوداً ۴۲۰ میلیارد دلاری است، اما وابستگی ایران به نفت در قیاس با عربستان پایین‌تر بوده و همین موضوع به مزیت ایران در مذاکرات نفتی اخیر تبدیل شد.

### آینده و آثار احتمالی توافق اوپک

پیش از ورود به موضوع آثار توافق بایستی در نظر داشت که هنوز نمی‌توان در مورد استحکام و دوام توافق اخیر نظر قاطعی ارائه داد. در جریان تحریم نفتی کشورهای عرب عضو اوپک در سال ۱۹۷۳ با اینکه عربستان و عراق در جمع تحریم‌کنندگان قرار داشتند، اما بعداً معلوم شد که به شکل مخفیانه به نقض تحریم اقدام می‌کردند. رویه برخی کشورهای دیگر مثل کویت، قطر و امارات در گذشته این بوده که تمایل چندانی به حمایت از کاهش تولید نداشته‌اند. اینکه این بار تا چه حد و در چه شرایطی به رعایت سقف توافق پایبند خواهند بود، روشن نیست. در شرایط کنونی که هم عربستان مناسبات سیاسی غیردوستانه‌ای با ایران دارد و هم برخی اعضا مثل عراق وابستگی شدیدی به صادرات نفت دارند، احتمال شکنندگی و نقض توافق را نباید از نظر دور داشت.

نکته دیگری که بر آسیب‌پذیری توافق می‌افزاید، این است که اعضای غیرعضو اوپک نیز متعهد شده‌اند که روزانه ۵۶۲

تا بازگشت به وضع پیش از تحریم‌ها ادامه خواهد داد. مواضع برخی اعضا مثل عربستان مبنی بر ناممکن بودن طرح فریز بدون همکاری ایران به انعطاف ایران منجر نشد. بیژن نامدار زنگنه وزیر نفت ایران، پیش از آغاز اجرای برجام به صراحت اعلام کرد که افزایش تولید و صادرات ایران متوقف نخواهد شد، حتی اگر قیمت نفت به ۲۰ دلار در هر بشکه برسد. این دقیقاً همان موضعی بود که قبلاً توسط علی النعیمی، وزیر نفت عربستان اتخاذ شده بود. وی در اواخر سال ۲۰۱۴ که سیاست کشورش حمایت از ادامه افزایش تولید بود، اعلام کرد که تولید اوپک کاهش نخواهد یافت، حتی اگر قیمت نفت به ۲۰ دلار در هر بشکه برسد.

ایران زمانی حاضر شد برای تولید خود سقف معینی تعریف کرده و با اوپک همکاری کند که تولید نفتش به سطح نسبتاً مطلوب خود رسید. در سال ۱۳۹۵، ایران موفق شد میزان تولیدش را به فراتر از مرز ۳/۵ میلیون بشکه در روز افزایش دهد. با اینکه رقم بشکه‌ای تولید به دوره پیش از تحریم صادرات نفت ایران بازگشته، اما با احتساب افزایش تولید کشورهای چوچون عربستان و عراق هنوز با سهم درصدی خود در سال‌های پیش از تحریم فاصله دارد. با اینکه وزیر نفت ایران قبلاً اعلام کرده بود که برای رسیدن به سهم درصدی خود در اوپک (۱۴.۲ درصد معادل ۴ تا ۴/۱ میلیون بشکه در روز) تلاش خواهد کرد، اما فعلاً بر آن است به رقم توافق شده در نشست اخیر اوپک یعنی سه میلیون و ۷۹۷ هزار بشکه در روز بسنده کند.

بی‌تردید، یکی از دلایل مهم سرسختی موفقیت‌آمیز ایران برای بازپس‌گیری سهم خویش در اوپک گشایش‌های ناشی از مذاکرات هسته‌ای بود. اما باید در نظر داشت که کاهش وابستگی ایران به درآمدهای نفتی، نقش مهمی در بی‌تفاوتی این کشور به روند کاهش قیمت نفت داشت. در حالی که درآمدهای نفتی ایران در سال ۱۳۹۱ نزدیک به ۷۵ میلیارد دلار بود، در سال ۱۳۹۴ به نزدیک ۲۶ میلیارد دلار کاهش یافت. همچنین در حالی که حدود ۴۰ درصد بودجه دولت در سال ۱۳۹۱ از طریق نفت تأمین می‌شد، در سال ۱۳۹۵ به زیر ۳۰ درصد تنزل کرد. ضمن اینکه سهم نفت در تولید ناخالص داخلی ایران کاهش یافته، بخش مهمی از این درآمدها در کوتاه‌مدت غیرقابل وصول است. این در حالیتی است که وابستگی اقتصاد عربستان سعودی به نفت بیشتر است. وابستگی



دیپلماسی نفتی و بهبود جایگاه ایران در اوپک اعتبار سیاسی و قدرت چانه‌زنی ایران در عرصه بین‌المللی افزایش می‌یابد و ثانیاً، توافق اوپک می‌تواند به فرایند حل و فصل مشکلات سیاسی بین ایران و عربستان کمک کند. این توافق برای بسیاری از ناظران تداعی‌کننده توافق هسته‌ای بود. در هر دو، ایران با سرسختی و اصرار بر حقانیت خویش طرف مقابل را به عقب‌نشینی یا تعدیل مواضع واداشت. توافق نفتی مثل توافق هسته‌ای نفوذ و توانمندی دیپلماتیک ایران را به نمایش گذاشت. انعکاس گسترده این رویداد در رسانه‌های جهانی بار دیگر افکار عمومی جهان را به وزن و جایگاه بالای ایران در منطقه و سازمان اوپک جلب کرد. در حالی که جایگاه ایران در اوپک طی دوره تحریم به شدت افت کرده بود، تحولات اخیر باعث شدند ایران مجدداً به یک بازیگر اساسی در سازمان مذکور تبدیل شود.

می‌توان توافق بین تهران و ریاض بر سر تولید نفت را به مثابه نشانه‌ای برای کاهش تنش سیاسی بین دو کشور تفسیر کرد. برای تصمیم‌گیران عربستان محرز است که این توافق هم از نظر سیاسی و هم اقتصادی به نفع ایران است، هر چند که این به معنی باخت طرف عربستانی نیست. اگر سعودی‌ها ایران را به مثابه دشمن درجه یک خود تلقی می‌کردند، نباید تن به توافقی می‌دادند که به بهبود قدرت اقتصادی و نفوذ سیاسی آن کمک کند. این نشان می‌دهد که نگاه خصمانه آنها به ایران مقداری تعدیل شده است. شکی نیست که ریاض می‌تواند با عقب‌نشینی از توافق مجدداً اوضاع را به ضرر طرف‌ها از جمله ایران سوق دهد. به نظر می‌رسد نحوه تعامل دو کشور طی ماه‌های آتی تأثیر زیادی بر سرنوشت توافق بر جای خواهد گذاشت. هرچه دو طرف برای پیشبرد سیاست عادی‌سازی روابط اراده جدی‌تری نشان دهند، ماندگاری توافق اوپک نیز از تضمین محکم‌تری برخوردار خواهد بود، اما باز تولید تنش سیاسی توافق نفتی را شکننده‌تر خواهد کرد. بنابراین، همکاری دو کشور در اوپک فرصتی است که می‌تواند به بهبود مناسبات سیاسی فیما بین کمک کند.

### نتیجه‌گیری

نشست و توافق اخیر اوپک در وین از چند جهت حائز اهمیت است. دو واقعیت مهم عبارتند از اینکه اولاً، اعضای اوپک توانستند پس از ۸ سال اختلاف و ناکامی مجدداً بر سر کنترل

هزار بشکه از تولیدات خویش بکاهند. برخی از آنها از جمله روسیه با مشکلات اقتصادی جدی درگیرند. عدم پایداری روسیه به کاهش ۳۰۰ هزار بشکه تولید می‌تواند بهانه لازم را برای سایر اعضا جهت خروج از توافق فراهم آورد. حتی اگر اعضای اوپک یا همکاران غیرعضو به نحو صریح از توافق خارج نشوند، تضمین محکمی برای استمرار تقید طرف‌ها به مفاد توافق وجود ندارد. همه طرف‌ها از اینکه توافق منجر به افزایش قابل توجه بهای نفت شد، خرسند به نظر می‌رسند. اما این خرسندی به معنی رضایت آنها از قیدوبندهای خود توافق نیست.

با این حال، ارزش و آثار توافق اخیر را نباید نادیده گرفت. به نظر می‌رسد نفس تحقّق توافق اوپک در ۳۰ نوامبر ولو اینکه در آینده از استحکام کافی برخوردار نباشد، نشان می‌دهد که ضرورت‌های اقتصادی باعث شدند تنش‌های سیاسی مورد کم‌توجهی قرار گیرند. توافق اوپک از این حیث که دست ایران در تولید بیشتر نفت را تا حدی محدود خواهد کرد، ممکن است از سوی برخی ایرانی‌ها مورد انتقاد قرار گیرد، اما در صورت اجرایی شدن محاسنش بیشتر از محدودیت‌هایش خواهد بود. ایران ضمن اینکه به سهم خویش در اوپک بسیار نزدیک شده، از منافع ناشی از افزایش بهای نفت بهره می‌برد. افزایش بهای نفت دست دولت را در تأمین نیازهای خویش بازتر خواهد کرد و می‌تواند به بهبود رفاه عمومی بیانجامد.

توافق اوپک به لحاظ سیاسی نیز آثار احتمالی مثبتی برای ایران به دنبال دارد. دو پیامد مثبت عبارتند از اینکه اولاً، با موفقیت



مدت‌ها قبل محقق شده بود. برای اعضای اوپک محرز است که کارآمدی سازمان علاوه بر همکاری درون‌سازمانی، مستلزم جلب همکاری هرچه بیشتر تولیدکنندگان غیرعضو است. اما مسئله این است که هرچه تعداد طرف‌های مذاکره و همکاری بیشتر شود، حفظ توافق نیز سخت‌تر خواهد شد. اعضای اوپک ضمن اینکه لازم است برای جلب همکاری هرچه بیشتر غیرعضوها تلاش کنند، باید سازوکار مؤثرتری برای حفظ کارایی در صورت بروز تنش‌های سیاسی احتمالی بین تولیدکنندگان داشته باشند. در غیر این صورت، نفت نه تنها عامل همگرایی نخواهد بود، بلکه ممکن است به صورت سلاح سیاسی کشورهای تولیدکننده علیه هم‌دیگر مورد استفاده قرار گیرد. فقدان چنین سازوکاری عامل مهمی است که بر ناکارایی و ناکامی اوپک در هشت سال اخیر اثرگذار بوده است. نتیجه این ناکارایی در واقع نوعی باخت همگانی بود. بنابراین، اعضا بایستی از تجربه سال‌های گذشته برای سامان‌دهی مجدد و تقویت کارایی سازمان استفاده کنند.

تولید و عرضه نفت به توافق برسند، و ثانیاً، آنها موفق شدند تعداد قابل توجهی از تولیدکنندگان غیراوپک را نیز به همکاری با اوپک بر سر کاهش تولید نفت بکشانند. دولت ایران که پس از موفقیت در دیپلماسی هسته‌ای خود توانست تهدید تحریم‌های بین‌المللی را مهار کند، دیپلماسی نفتی خویش را نیز با موفقیت پیش برد و رقبا را به پذیرش شرایط خاص ایران واداشت. البته باید تأکید کرد در این توافق، ایران و عربستان سعودی به یک نوع بازی برد-برد رسیدند. عربستان با اینکه نزدیک به نیم میلیون بشکه از تولید روزانه‌اش خواهد کاست، اما سهمیه تولیدش در مقایسه با سال‌های پیش از تحریم ایران نه تنها کاهش نیافته، بلکه افزایش دارد. این کشور توانست ضمن کنترل تولید نفت، رقبا را به پذیرش سهمیه جدید خود در اوپک متقاعد کند. ایران نیز موفق شد جایگاه گذشته خویش را در اوپک احیا کرده و تولیدش را به میزان مطلوب افزایش دهد. وجه دیگر برد دو کشور این است که آنها توانستند تعدادی از اعضای غیرعضو اوپک را به همکاری با سیاست نفتی خویش سوق دهند. همکاری کشورهایی مثل روسیه هم برای عربستان سودمند است و هم ایران.

منفعت مشترک کلیه طرف‌های توافق اقتضا می‌کند همه آنها برای حفظ توافق همکاری کنند. عقب‌نشینی هر یک از آنها می‌تواند به خروج سایر طرف‌ها از موازین منجر شود. برخی تحلیل‌گیران به دو دلیل بر آنند که احتمال پایداری توافق ضعیف است. اول اینکه نیاز اساسی برخی اعضا به درآمد بیشتر ممکن است آنها را به تولید بیشتر از حد توافق شده سوق دهد و دوم اینکه فضای سیاسی حاکم بر روابط قدرت‌های اصلی توافق‌کننده آنچنان که باید، مساعد نیست، به نحوی که هر اتفاق کوچکی ممکن است بر انگیزه همکاری دولت‌ها اثر منفی بگذارد. دلیل دوم شاید مهم‌تر و مؤثرتر از اولی باشد، چراکه قوام و دوام معاهدات بین‌المللی قویاً تحت تأثیر نحوه مناسبات سیاسی میان طرف‌های معاهده قرار دارد. البته سیاست و اقتصاد اثرگذاری متقابل دارند. منافع ناشی از همکاری بر سر تولید نفت ممکن است دولت‌های ایران و عربستان را به تعدیل مواضع سیاسی سوق داده و به عادی‌سازی روابط سیاسی شان کمک کنند.

نکته پایانی اینکه جنگ قیمتی میان اعضای اوپک طی سال‌های اخیر نتیجه‌ای جز زیان متقابل در پی نداشت. در صورتی که تنش‌های سیاسی میان اعضا در سال‌های گذشته مهار می‌شدند، توافق نفتی نیز